

بررسی راه های تربیت صحیح جنسی کودکان

احمد اخلاقی

دبیر آموزش و پرورش شهرستان لامرد، گروه علوم تربیتی، ایران: Akhlaghi.ahd@gmail.com

چکیده

سابقه و هدف: هر سازمان مجموعه ای از عوامل انسانی، ساختاری، فنی، تکنولوژی، فرهنگی و سایر عناصر محیطی است که جهت تحقق هدفهای از پیش تعیین شده بصورت مشترک در تلاش و تعامل هستند. رشد سازمان و تداوم آن، ارتباط نزدیکی با نیازها و خواسته های انسانی و چگونگی برآورده شدن آنها دارد. مواد و روشها: مطالعه حاضر از نوع توصیفی تحلیلی است و پس از بررسی مفاهیم با ارائه نتایج به پیشنهادات کاربردی پرداخته شده است. روش تحقیق حاضر توصیفی و روش گردآوری اطلاعات آن، کتابخانه ای است. بدین صورت که از منابع کتابخانه ای نظیر: کتاب، مقاله، منابع خارجی و... و آموخته های محقق استفاده شده است. یافته ها: از نظر این پژوهش عصر اطلاعات است و سرعت، و بچه های ما فرزند همین زمانه اند. طوری که دیگر به این راحتی نمی توان سرنوشت آنها را از همان کودکی تا بزرگسالی و پیری خواند. نتیجه گیری: از مباحث ایراد شده نتیجه گرفته می شود که خلاقیت و نوآوری امری است که وجود آن دائماً در هر سازمانی احساس می شود. در واقع وجود محققان تعلیم دیده، توانا، بانگیزه و همچنین آزمایشگاههای تخصصی مجهز لازمه پیشرفت، نوآوری و خلاقیت می باشند. خلاقیت را به کارگیری تواناییهای ذهنی برای انجام یک فکر یا مفهوم جدید دانسته اند که از مسایل کوچک برای انجام یک کار خاص شروع می شود و قبل از اینکه حاکی از نبوغ باشد حاصل انجام کار است.

واژه های کلیدی: تربیت صحیح، کودکان، معنویت

۱- مقدمه

دنیا پیچیده شده و آلوده. و از خیلی ها می شنویم که پیچیدگی و آلودگی دنیای مدرن را بهانه می کنند، برای توجیه ناآگاهی شان از چیزهایی که باید به فرزندان شان بیاموزند. آموزش در خصوص تربیت جنسی کودکان در تمام مراحل سنی باید صورت بگیرد. به سن خاصی نمی شود اشاره کرد. از دوران پیش از دبستان، دبستان، دوران بلوغ، جوانی، میانسالی و حتی سالمندی این آموزش ها لازم است. البته شکل آن در هر دوره متفاوت است. برخی آسیب ها علاوه بر این که جسم کودک را به شدت تهدید می کند، سلامت روان او را هم با مشکلات جبران ناپذیری مواجه خواهد کرد موضوع آسیب های جنسی از همین دسته است. آثار این زخم های روانی می تواند سال های سال در وجود فردی که مورد سوء استفاده قرار گرفته، باقی بماند [۱].

مواد و روشها

پژوهش حاضر یک پژوهش کاربردی است که با استفاده از روش پژوهش کیفی از نوع تحلیل محتوای استقرایی انجام گردیده است. در این مطالعه برای استخراج و تدوین مطالب از روش سه سو سازی استفاده گردید؛ یعنی مطالعه با بهره گیری از پژوهشهای مربوط و مبانی نظری انجام شد. این روش تحقیق از نوع روش تحقیق نظری است که با روش تحلیل محتوا و با رویکرد کیفی انجام گرفته است. ابزار جمع آوری اطلاعات، فیشهای برداشت شده از کتب گوناگون و از طریق مطالعه کتابخانه ای بوده است. قلمرو تحقیق، کلیه منابع اصلی و دست اول و همچنین منابعی بوده است که دیگران به صورت نقد در خصوص آنها تدوین نموده و به زبان های انگلیسی و فارسی بوده است. در این مورد محقق به سراغ منابع اولیه و وکتاب ها، آثار و نوشته های دست اولی که به طور مستقیم و غیر مستقیم به موضوع اشاره نموده رفته است. بر اساس تحلیل منابع، یافته های پژوهش را ارائه داده است و در نهایت این یافته ها را مورد بحث قرار داده است. شیوه انتخاب منابع که مبنای تحلیل قرار گرفته است، عمدتاً اصالت منبع، موثق بودن و مرجعیت نویسنده یا نویسندگان بوده است. همچنین قابلیت دسترسی به منابع نیز وجهه نظر قرار گرفته است و در پایان به جمع بندی و نتیجه گیری بحث می پردازیم.

مبانی نظری

علاقه کودکان به اطلاعات جنسی

دو موضوع سبب می شود علاقه کودکان به اطلاعات جنسی زیاد شود. اول دسترسی راحت به اطلاعات از طریق اینترنت، ماهواره، تلفن همراه و ... و تبادل آن ها در فضاهای مشترک کودکی مانند مدارس و مهد کودک ها و دوم، پنهان کاری والدین است. بنابراین چون کودکان فهم هوشمندانه ای از این موضوع ندارند؛ بی جواب ماندن سوال های اولیه عاملی برای کنجکاوی بیشتر می شود. بسیاری از والدین به اشتباه تصور می کنند غریزه جنسی در کودکان وجود ندارد و تا زمان بلوغ بروز نمی یابد. با این حال، دیگر زمان پرده پوشی، نگاه حذفی و پاک کردن صورت مسئله به پایان رسیده است زیرا دسترسی آسان و چه بسا افسارگسیخته کودکان به ابزارهای ارتباطی سبب شده تا آن ها خیلی زودتر از گذشته با مسائل جنسی آشنا شوند؛ بنابراین آموزش های تربیت جنسی را می توان بخشی از مهارت های مورد نیاز والدین امروزی دانست [۲].

آموزش و تربیت جنسی در اسلام

آموزش و تربیت جنسی، از واژگانی است که دوره نوجوانی و پدیده دوران غریزه جنسی را در اذهان تداعی می کند؛ اما در واقع، تربیت جنسی، بسته به جنسیت و سن افراد، بسیار متفاوت خواهد بود. ارائه هر نوع آگاهی و دانش نظری و عملی به اشخاص مختلف و متناسب با جنسیت و سن آنان برای تأمین نیازهای جسمی، روانی و نیز اجتماعی آنها و همچنین، مرتفع کردن نیازهای جنسی ایشان و بقای نسل را اصطلاحاً «آموزش جنسی» می گویند [۳].

در کتب پزشکی، غالباً آموزش جنسی را همان تربیت جنسی تعریف کرده اند؛ ولی این مفهوم، وسیع تر از آموزش جنسی صرف است؛ چراکه در آن باید به خصوصیات رشد شخصیت در ابعاد دینی، اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی نیز توجه داشت [۴].

تربیت جنسی را باید در حقیقت، فرایندی عنوان کرد که طی آن، باورها، ارزش‌ها و نگرش‌هایی در کودک شکل می‌گیرد و ادامه زندگی، بر هویت، روابط بین فردی و عاطفی و حتی گرایش جنسی او تأثیرگذار خواهد بود. از نظر اسلام تربیت جنسی، باید به وسیله والدین به کودکان آموزش داده شود و پدران و مادران نیز خود اصول و قواعد رفتار درست جنسی را بشناسند و رعایت کنند. این در حالی است که نظام تربیتی اسلام بسیار پیش از غرب، به تربیت جنسی کودک ممیز اهتمام ورزیده است تا او بتواند با تحولات ناشی از رشد در مراحل آینده درست رو به رو شود. رختخواب مشترک یا دست کم اتاق مشترک برای خوابیدن دختران و پسران و یا پدر و مادر و فرزندان، پدیده ایست که بیشتر در خانواده های فقیر وجود دارد و باعث می شود فرزندان با رفتار جنسی پدر و مادر آشنا شوند و گاه میان خواهر و برادر و از سر تقلید از پدر و مادر، بی آنکه لذتی در میان باشد، گونه هایی از معاشرت جنسی سرزند که بسیار خطر آفرین است [۵].

پدر و مادر باید به این امر توجه داشته باشند و از تأثیر محیط طبیعی بر بلوغ فرزند خود غافل نمانند و بلوغ زودرس فرزندان در مناطق گرمسیر را در نظر بگیرند و پیش بینی های تربیتی لازم را برای هدایت رفتار جنسی آنها مبذول دارند و در آموزش هنجارهای شرعی دوران بلوغ به فرزندان کوتاهی نکنند. اسلام و دانشمندان معاصر در لزوم آموزش جنسی به کودکان در پیش از بلوغ همداستانند و پذیرفته اند این آگاهی ها باید از مرحله دوم کودکی آغاز شود تا کودک پیش از بلوغ، برای مواجهه با تحولات جسمی و روحی ناشی از بلوغ آمادگی پیدا کند. الف) این قواعد، برای دوره کودکی دوم و بلوغ و نوجوانی است و مبین اهمیت تربیت جنسی در اسلام است؛ [۶]

اهمیت تربیت جنسی در اسلام

تربیت جنسی، به شدت دچار پیچیدگی است؛ اما از اهمیت فراوانی برخوردار است. پدر و مادر مسئولیت پذیر، هیچ‌گاه در برابر غریزه جنسی فرزندان خود، بی‌برنامه و بی‌تفاوت نخواهند بود و این مرحله از تربیت را که از حساس‌ترین و درعین‌حال، سخت‌ترین مراحل تربیت است، وانمی‌نهند. چه بسا اندک غفلت و خطایی، اسباب انحراف فرزندان را فراهم نماید [۷]

در ارتباطات میان فردی در اجتماع بشری، آگاهی و اطلاع از مسائل جنسی می‌تواند به منطقی و مسئولانه شدن آن کمک شایانی کند. رشد شاخص سلامت و بهداشت جنسی در افراد، شاخص سلامت روان و فکر جامعه را بهبود خواهد بخشید. بر مبنای همین رابطه متقابل میان سلامت فرد و جامعه، می‌توان به آموزش و تربیت صحیح جنسی افراد جامعه پی‌برد. در واقع، برای رسیدن به بهداشت جنسی در بُعد جسم و روان، راهی به جز تربیت صحیح در این زمینه وجود ندارد. صاحب‌نظران بر این باورند که رفتارهای مربوط به غریزه جنسی کودکان، جز در حالت‌های استثنایی و نیز خارج از طبیعت انسانی، فعلیتی ندارند؛ اما با وجود این، آموزه‌های اسلامی پیش‌بینی‌های لازم برای پیشگیری و درمان رفتارهای غیرطبیعی، از همان آوان کودکی را در افراد داشته است که در حقیقت، برای تعدیل رفتارهای جنسی و اصلاح و هدایت این غریزه بوده و به هیچ‌وجه با جنبه‌های دیگر رشد در کودکان، ناسازگار نبوده و در عمل، به عنوان عاملی آسان‌کننده رشد هم تلقی می‌شود [۸]

در این میان، تربیت جنسی دختران در اهمیت بیشتری قرار دارد. نخست آنکه زنان به دلیل خصوصیت مادر بودن و نیز به جهت مدت زمانی که با فرزندان سپری می‌کنند، از نفوذ به مراتب بیشتری در تربیت فرزندان برخوردارند. از سوی دیگر، زنان به سبب موهبتی که خدا به ایشان عطا کرده، قدرت تنظیم رفتارهای جنسی مردان را دارند. از جهتی دیگر، دختران زودتر از پسران سن بلوغ را تجربه می‌کنند و به دلیل لطافت در احساس، هرآن ممکن است به اشتباه و خطا بیفتند. امروزه زن به عنوان یک کالای محرک جنسی مورد بهره‌برداری سوء قرار گرفته است. بنابراین، لازم است توجه خاصی به تربیت آنان، خاصه تربیت جنسی‌شان شود [۹]

اما آنچه مایه تأسف است، فرو نهادن این مقوله بسیار مهم در تربیت فرزندان است که والدین و مربیان مسلمان، کمتر بدان توجه داشته‌اند؛ درحالی‌که اسلام عزیز، سامان یافتن رشد رفتار جنسی در کودک را، در گرو تربیت درست پیش‌بینی کرده است. البته آنچه در این میان مهم می‌نماید، آگاهی از قواعد، قوانین و اصول رفتار صحیح جنسی از طرف والدین و مربیان است که خود، آن را به درستی مراعات کنند و راه و رسم صحیح را در این مسئله به فرزندان خویش بیاموزند [۱۰]

ذکر این نکته ضروری است که تربیت صحیح جنسی، در حقیقت، نوعی سرمایه‌گذاری تضمینی برای داشتن جامعه‌ای سالم در آینده‌ای نه‌چندان دور خواهد بود؛ جایی که کودکان امروز، جوان و بزرگسال آن خواهند بود و تربیت جنسی ایشان، ارتباط مستقیمی با رضایت‌مندی آنان از زندگی زناشویی خواهد داشت. اهمیت این سخن، زمانی نمایان‌تر می‌شود که به رشد آمار طلاق ناشی از نارضایتی جنسی در سال‌های اخیر مراجعه شود. بنابراین، رضامندی جنسی که افراد از لذت‌بخشی در مورد رفتارهای جنسی و زناشویی خود داشته‌اند هم می‌تواند شاخص دیگری برای اهمیت و ضرورت این مسئله باشد. فرهنگ مغرب‌زمین، مدت‌هاست که به اهمیت آموزش در این مسئله پی برده است؛ اما آنچه امروز مورد آموزش قرار می‌گیرد، در برخی موارد چنان بی‌پرده و بی‌حجاب است که در واقع، باید آن را ترویج بی‌بندوباری نامید. محدوده این آموزش‌ها در برخی از کشورهای غربی، به کودکان زیر یازده سال هم رسیده است [۱۱].

نتیجه این آموزش‌ها در غرب، فروریختن دیوارهای حیا و شرم در میان دانش‌آموزان آنان است که با دیدن شیوه‌های عملی و ابزارهای جنسی، به پیشگیری از بیماری یا بارداری تشویق می‌شوند و به صورت عملی، رفتارهای جنسی را تجربه می‌کنند. در حقیقت، پیامی که کودکان و نوجوانان در این سیستم آموزشی دریافت می‌کنند، این است که برای انجام فعالیت جنسی، به سنّ مطلوب رسیده‌اند (همان). اما در سوی مقابل، اسلام مبنای تربیت را در این حوزه بر پایه شرم و حیا قرار داده است. ارزش‌ها و باورهای اسلامی، باید از زیربنایی‌ترین واحد جامعه آغاز شود و چون خانواده، سنگ زیربنای جامعه است، وظیفه انتقال نسل به نسل این ارزش‌ها، بر دوش خانواده نهاده شده است [۱۲].

عوامل مؤثر در تربیت صحیح جنسی از منظر اسلام

در تربیت درست جنسی، عوامل مختلفی دخیل هستند تا سلامت جنسی در رفتار کودکان و نوجوانان پدید آید. پاره‌ای از این عوامل که در بهداشت جنسی تأثیر بسزایی دارند، به شرح ذیل است (همان، ص ۲۰۴).

- آگاهی والدین و مربیان از تربیت صحیح جنسی از منظر اسلام، و در نتیجه، آموزش درست هنجارهای تربیتی در زمینه مسائل جنسی به کودکان و نوجوانان؛

- آموزش عملی به فرزندان با رفتارهای بهنجار و صحیح والدین برای مقابله با اسباب و زمینه‌های انحراف جنسی؛

- آموزش درست آداب حضور در محل‌های مختلف با در نظر گرفتن مسائل جنسی.

بسیاری از صاحب‌نظران بر این باورند که اگر خانواده‌ها به مسائل مربوط به تربیت جنسی از دیدگاه اسلام آگاه باشند و به صورت عملی از آن بهره‌گیرند، نه تنها می‌توانند از بلوغ زودرس فرزندان‌شان جلوگیری کنند، بلکه می‌توانند در بهنجارسازی رفتارهای جنسی آنها در آینده نیز اثرگذار باشند [۱۳].

شیوه‌های تربیت جنسی از منظر اسلام

با رشد ابعاد وجودی انسان، شخصیت او هم در حال شکل‌گیری است. اگر این روند به صورت طبیعی و همراه با تربیت صحیح باشد، شخصیت هم در جهت کمال و تعالی قرار می‌گیرد؛ رشد و کمالی که از بدو تولد انسان شروع شده، با بلوغ او پیشرفت می‌یابد و در بزرگسالی، اوج می‌گیرد. حال، اگر انسان با شیوه‌ای درست تربیت جنسی شده باشد، نه تنها از سلامت روانی و جنسی برخوردار خواهد بود، بلکه از انحراف‌های جنسی و تبعات آن مصون خواهد ماند. مهم‌ترین مرحله در تربیت جنسی، مرحله قبل از ازدواج بوده و شاخص آن، «خویش‌داری» است. این ویژگی، شرط لازم برای ازدواج است و ارضای مطلوب جنسی را برای فرد در پی خواهد داشت [۱۴].

یکی از مهم‌ترین شیوه‌ها در تربیت جنسی کودکان، روش مستقیم است. این شیوه در حقیقت، اشاره مستقیم به اموری دارد که به نقش جنسیتی افراد، تمایل‌ها، گرایش‌ها و رفتارهای جنسی و وظایف جنسیتی آنها مربوط می‌شود؛ همچون: هویت‌پذیری جنسی، الگویابی جنسیتی، آشنایی با وظایف هر جنس، آمادگی برای انجام وظایف مادری و پدری، پرهیز از تحریکات جنسی و مسائلی از این دست. در فرآیند تربیت جنسی، رفتارها و مهارت‌های والدین در این زمینه، کیفیت ارتباط با فرزند، ارائه اطلاعات مناسب، بجا و به موقع، از اهمیت بسیاری برخوردار است. برخی از آنچه لازم است والدین برای تربیت جنسی کودک اجرا کنند [۱۵]، عبارت‌اند از:

۱. نقش و هویت جنسی

ضروری است که والدین در خصوص هویت جنسی فرزندان خود حساس باشند و فرزندان خویش را به پذیرش ویژگی‌های متفاوت دختری و پسری از بُعد شناختی، عاطفی، اجتماعی و زیستی ملزم سازند. رفتار پدر و مادر باید حاکی از هیچ‌گونه تفاوت تبعیض‌آمیز جنسیتی میان فرزندان مذکر و مؤنث باشد تا فرزندان به راحتی و بدون آرزوی داشتن جنسیتی مخالف، به هویت جنسی خودشان دست یابند و در آینده، نقش پدر و مادری خویش را نیز به خوبی ایفا کنند. والدین در تعیین هویت جنسی فرزندان، به خصوص دختران، با ابرازهای احساسی و عاطفی، رفتارهای متناسب با ارزشمندی و عزت آنها را آشکار می‌سازند. البته نقش مادر در تربیت دختر بسیار مهم‌تر و جدی‌تر از پدر خواهد بود؛ چنان‌که رسول خدا⁹ می‌فرماید: «أَمِرُوا النِّسَاءَ فِي بَنَاتِهِنَّ» [۲]

امور دختران را به مادران آنها واگذارید. «فرزندان، الگوسازی جنسیتی را از طریق همانندسازی خود با والدین آغاز می‌کنند و برای دختر، همانندسازی با مادر در اولویت است؛ چراکه امروزه علم روان‌شناسی، در بررسی اختلالات جنسی به این نکته رسیده است که تمامی افراد مبتلا به انحراف نارضایتی جنسیتی، بدون استثنا در کودکی به چشم جنس مخالف به آنها نگریسته شده و با ظاهری متناسب با جنس مخالف، آراسته شده‌اند. در کنار اینها، لازم است برای تقویت هویت جنسی دختر، نقش جنسیتی‌اش را هم به او آموزش داد تا بداند جامعه از نظر رفتار، گفتار و پوشش، چه انتظاری از او دارد و چه نقشی را باید ایفا کند» [۳]

۲. پیشگیری از زمینه‌های تحریک جنسی

غریزه، از ابتدای تولد در انسان وجود دارد؛ اما در بدو امر، متوجه عمل جنسی یا لذت جنسی نیست و باید یک سیر رشدی و تحولی را بپیماید تا در زمان بلوغ، رشد آن کامل شود. تحریک پیش از موعد این غریزه، کودک را زودتر از وقت مناسب، به آن هوشیار خواهد کرد و اینجاست که ممکن است صدمات خسارت‌بار و جبران‌ناپذیری به کودک و جامعه وارد شود [۴]

بنابراین، در روایات با تأیید میل جنسی کودکان، تأکید شده که به هیچ عنوان نباید قوای جنسی آنان را تحریک کرد. امام صادق(ع) می‌فرماید: «لَا يُجَامِعُ الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ وَلَا جَارِيَتَهُ وَفِي الْبَيْتِ صَبِيٌّ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ مِمَّا يُوْرثُ الزَّنا؛ در برابر دیدگان کودکان خود نزدیکی نکنید که این کار، زناکاری را به ارمغان می‌آورد» [۴]

۳. صحیح پاسخ‌دادن به پرسش‌های جنسی

مسائل جنسی، برای کودک سؤال‌برانگیز است و با توجه به رشد سنی خود، درصد است برای آن پاسخ‌هایی بیابد. او از موالید، رفت‌وآمدها به بیمارستان و همچنین مشاهده نوزادان دیگر، کنجکاو خواهد بود تا بداند که این کودک جدید از کجا آمده؟ یا چرا با من متفاوت است؟ یا چگونه در شکم مادر بوده است؟ در این میان، برخی والدین یا از پاسخ‌دادن طفره می‌روند یا کودک را سرزنش می‌کنند یا با پاسخ‌هایی دروغین، او را فریب می‌دهند؛ اما به نظر می‌رسد که باید در سطح فهم کودکان، سؤالات آنان در مسائل جنسی پاسخ داد و از پرده‌پوشی و پاسخ‌های خلاف واقع پرهیز نمود؛ زیرا عوارض متعددی به دنبال دارد؛ از جمله ممکن است آنها به دوستان و یا منابعی غیرمطمئن روی آورند که چه بسا زمینه انحرافات جنسی را در آنان موجب خواهد شد [۵]

بنابراین، بهترین اقدام برای پیشگیری از انحرافات جنسی کودکان، پاسخ‌دادن صحیح به پرسش‌های جنسی کودکان و متناسب با جنسیت و سن ایشان است. معیارهایی را که برای پاسخ‌دادن ذکر شده، می‌توان این‌گونه بیان کرد:

- صراحت و شفافیت در پاسخ برای ابهام‌زدایی؛
- محرک‌نبودن پاسخ‌ها؛
- رعایت حجب و حیا در پاسخ؛
- پرهیز از برخورد‌های هیجانی و نفرت‌انگیز؛
- پاسخ بر اساس سطح فهم و سن کودک؛

- پاسخ‌های قانع‌کننده و به اندازه کفایت.

حاصل آنکه در اجتماع بشری و ارتباطات میان‌فردی، آگاهی از مسائل جنسی قطعاً به منطقی و مسئولانه‌شدن رفتارهای برخاسته از این گزینه منجر می‌شود و شاخص سلامت روان و فکر جامعه را بهبود خواهد بخشید. بنابراین، لازم است والدین، به‌ویژه مادر، در قبال فرزندان خود، به‌خصوص دختران، جدیت و اهمیت بیشتری در بُعد تربیت جنسی داشته باشند. آموزه‌های اسلامی، پیش‌بینی‌های لازم را برای پیشگیری و درمان رفتارهای غیرطبیعی از همان آوان کودکی در افراد دارد [۶].

دور شدن جامعه از معنویت و انسانیت

باید توجه داشته باشیم که در نگاه دینی ما دختران وجودهایی ریحانه‌ای و ارزشمند هستند تا جایی که پیامبر بزرگ اسلام می‌فرماید از خوش‌شانسی زن این است که فرزند اولش دختر باشد [۷]

در روایت‌ها بیان شده که اگر زنی فرزند اولش دختر باشد خوشنام و خوش قدم است و اسلام با این روایت به ویژگی جنس دختر اشاره دارد و این یک امتیاز است اما به معنای نفی پسر دار شدن و نحس بودن قدم پسر نیست. امام هادی (ع) در پاسخ به یحیی بن ذکریا که از حضرت خواسته بود که در حقش دعا کند تا فرزندش پسر شود حضرت در یک نامه کوتاه در پاسخ به او نوشتند دختر بهتر است و السلام [۸]

در روایات دارد که وقتی در خانه‌ای جنس دختر و زن باشد افراد آن خانه بهشتی می‌شوند و این نشان می‌دهد که در تربیت دختر باید یک نگاه ویژه داشت. در انتخاب همسر مادر مهم‌تر از پدر است چون مادر نقش محوری دارد و فرزندان بیشترین وقت خود را با مادر می‌گذارند. یک کودک از ابتدای تولد تا سن هفت سالگی بیش از ۳۰ هزار و ۱۶۰ ساعت در کنار مادرش است؛ بنابراین اسلام می‌گوید در انتخاب همسر به مادر بودن او توجه کنید زیرا کودک در دامن مادر تربیت می‌شود [۹]

در این رابطه دو رویکرد وجود دارد. اولین رویکرد غربی و دومین رویکرد مبتنی بر آموزه‌های اسلامی-ایرانی و آداب و فرهنگ ما است. در رویکرد اول غربی‌ها معتقد هستند که آموزش مسائل جنسی باید از بچگی به آنها آموزش داده شود، تا کودکان روی این مسائل حساس شوند، این درحالی است، که شاید بچه‌ها با این مسائل آشنا شوند امام هنوز به بلوغ فکری و جنسی کامل در این زمینه نرسیده‌اند و همین امر موجب کنجکاوی، آسیب خواهد بود؛ چراکه کودک در این سن هنوز به خودکنترلی نرسیده است. [۱۰]

غربی‌ها در ارتباط با مسائل جنسی مطالبی را به کودک می‌گویند که او هنوز قدرت نگهداری این مطالب را در ذهن خود و فکر خود ندارد و همین مسئله باعث شده غرب با بحران‌های جنسی زیادی روبرو شود. امروز ۵۷ درصد فرزندان که در کشوری مانند سوئد متولد می‌شوند نامشروع هستند. و یا در آمریکا هر ساله یک میلیون فرزند از دختران مجرد متولد می‌شود، این درحالی است که سالانه یک میلیون و ۲۰۰ هزار جنین و وجود ارتباط غیر اخلاقی در بین ۹۰ درصد دختران و پسران دبیرستانی در آمریکا سند دیگری از فروپاشی اخلاقی و جنسی در آمریکا است. [۱۱]

ریشه مشکلات دور شدن جامعه از معنویت و انسانیت است. بحران به حدی در غرب بزرگ شده که دیگر مدیریت آن کار ساده‌ای نیست و روز به روز نیز اوضاع بدتر می‌شود. این درحالی است که یکی از جامعه‌شناسان انگلیسی در این رابطه مثال زندگی زنبور عسل را برای جوامع غربی بیان کرده است. یعنی وجود یک ملکه موله، چند زنبور نر و سایر زنبورهای کارگر که نر و یا ماده نیستند و تنها نیروی کار هستند. غرب در مسیری حرکت کرد تا شهوت و ارضای آن را به بیرون از خانه و خانواده کشانند و از دستورات الهی دین خود سرپیچی کردند و اکنون در وضعیت و منجلاب افتاده‌اند. [۱۲]

فرزندان بزرگ‌ترین سرمایه‌های زندگی هستند، اگر در تربیت آنها راه درست و منطبق با اصول دین را انتخاب کنیم، برای دنیا و آخرت ما سود خواهد داشت. روایات بسیاری از ائمه (ع) در مورد مراقبت از ویژگی جنسی مطرح شده است. برای رسیدن به وضعیت مطلوب در عرصه تربیت جنسی باید نخست مسئولیت مهم مسئولین تربیتی را به آنها گوشزد کرد، نخستین مسئولین تربیتی کودکان، والدین هستند؛ پدران و مادران ما باید بدانند مسئول تربیت فرزندان بوده و در قیامت آنها باید

پاسخگو باشند، اما نقش مادران در عرصه تربیتی بسیار پررنگ است [۱۳] بر اساس تحقیقات، بچه‌ها بیشترین تاثیر زندگی خود را از مادران خود فرا می‌گیرند [۱۴]

لذا رسول اکرم (ص) سفارش کردند در انتخاب همسر دقت کنید که آیا زن امروز، فردا مادر خوبی هم هست، که این حاکی از نقش مادران در تربیت است. لذا اگر امروز والدین برای تربیت فرزندان‌شان برنامه‌ای نداشته باشند، فرزندان برای آن‌ها برنامه تنظیم می‌کنند! به همین دلیل باید با آشنایی از مسائل تربیتی برای این مسئله مهم برنامه ریزی درست و با شناخت کامل داشته باشیم [۱]

آموزش مسائل جنسی در حد فهم و درک کودکان

آموزه‌های دینی مسائل جنسی را مورد بررسی قرار داده و با پرورش استعداد های افراد جامعه، کمک شایانی را به ارتقای سطح سلامت و تحقق اهداف عالی تعلیم و تربیت کرده است و از انحرافات جنسی جلوگیری نموده است. تربیت جنسی کودکان، آموزش مسائل جنسی در حد فهم و درک آنها است به گونه‌ای که باعث انحراف جنسی آنها نشود. کودکان باید بدانند که روابط با همجنس و جنس مخالف چگونه است [۲].

در این آموزش باید از سخنان گهربار امامان معصوم و قرآن کریم نهایت استفاده را برد. امروزه در جامعه‌ی ما، منابع غیر صحیح برای پاسخگویی به نیازهای جنسی کودکان فراوان است به همین دلیل خانواده‌ها باید کودکان خود را به طریق صحیح تربیت نمایند تا به انحراف جنسی دچار نشوند. یکی از اهداف مهم تربیت جنسی این است که رشد جنسی کودکان، در شرایطی سالم و طبیعی و به دور از هرگونه نارسائی، بلوغ زودرس و سایر انحرافات جنسی انجام گیرد [۳].

کودک باید همواره در شرایطی آرام و بدون استرس و اضطراب و مشغولیت‌های جنسی مراحل رشد خود را سپری کند تا بتواند در سنین نوجوانی رشدی مطلوب و طبیعی داشته باشد. اگر کودک در سنین خردسالی نتواند رشد جنسی قابل قبولی داشته باشد، انحرافات جنسی خود را به دوره‌ی نوجوانی و سپس به دوره‌ی جوانی و بزرگسالی خواهد رساند. او در بزرگسالی نمی‌تواند نقش پدر و مادری خود را به خوبی ایفا کند و مسلماً خانواده‌ای نامطلوب خواهد داشت. والدین به عنوان نخستین آموزگاران زندگی باید در آموزش مسائل تربیتی و از جمله مسائل جنسی به کودکان دقت لازم را داشته باشند. اولین نکته مهم و کلیدی مدیریت و رابطه پدر و مادر در مقابل فرزندان است؛ نباید محبت عمیق و معاشقه که باعث تغییر حالت پدر و مادر می‌شود، مقابل فرزندان بروز پیدا کند. ابراز محبت مانند روبروسی و دست دادن خوب و پسندیده است، اما نباید پا را فراتر گذاشت، زیرا بچه‌ها بسیار کنجکاو کرده و همین رفتارهای پدر و مادر را با همسالان خود شبیه‌سازی کرده و اگر لذت ببرند این شروع انحراف است [۴].

مادر و پدر خیلی نباید راحت و در حالت نیمه‌عریان بدون رعایت حیا در خانه رفت و آمد کنند. امروز سن تشخیص برای دختران و پسران به پنج سالگی رسیده و باید مسائل نامحرم و پوشش در مقابل او از طرف دیگران و بستگان رعایت شود. والدین به علت ناآگاهی و برای فروکش کردن عصبانیت‌شان دست به تنبیه بدنی و داد و فریاد بر سر بچه می‌زنند که این دو حالت مازوخیزم و سادیسم جنسی را در بچه پدید می‌آورد. مازوخیزم همان حالت برده صفتی فرد است که مطیع هر امری می‌شود، تا آزار ببیند و سادیسم جنسی همان دگرآزاری است که با اذیت دیگران خود را ارضا کرده و لذت می‌برد [۵].

مسائل جنسی از نگاه اسلامی و غیر اسلامی

متخصصان امور جنسی در غرب، پس از تلاش‌های بسیار تازه، به حقایقی دست یافته‌اند که قرن‌ها پیش، اسلام به آنها پرداخته است [۶] البته برخی از دیدگاه‌های اسلامی با نگرش غربیان درباره مسائل جنسی، سازگاری ندارد؛ اما روی هم رفته، برخی دیدگاه‌های مشترک بین اسلام و غرب در زمینه مسائل و رفتار جنسی وجود دارد که از جمله می‌توان به امور زیر اشاره کرد:

اهمیت آموزش جنسی به کودک

اسلام و دانشمندان معاصر در لزوم آموزش جنسی به کودکان در پیش از بلوغ همداستانند و پذیرفته‌اند این آگاهی‌ها باید از مرحله دوم کودکی آغاز شود تا کودک پیش از بلوغ، برای مواجهه با تحولات جسمی و روحی ناشی از بلوغ آمادگی پیدا

کند. نظام تربیتی اسلام بر پدر و مادر فرض می‌داند که هنجارهای شرعی را به کودک ممیز و در آستانه بلوغ بیاموزند. دانشمندان غربی هم به آموزش‌هایی در زمینه امور جنسی تأکید دارند. اما هدف، موضوع، روش و مواد آموزشی، تابع فرهنگ و باورها و ارزش‌های آنهاست. هدف از آموزش در اسلام، تعالی اخلاق، جلب رضایت خداوند و حمایت از کودک در برابر مشکلات جنسی است [۷].

کودکی، دوران غیر فعال بودن غریزه جنسی

پژوهندگان امور جنسی، درباره فعال یا غیر فعال بودن غریزه جنسی در کودکی هم‌نوا نیستند. «فریود» معتقد است کودک احساس جنسی دارد، اما گروهی دیگر معتقدند، ساختار دستگاه تناسلی انسان چنان است که در حالت طبیعی، پیش از بلوغ و در دوران کودکی هیچ احساس جنسی ندارد. از نگاه اسلام، کودک در دوره کودکی اول، زندگی و رفتار جنسی ندارد؛ ولی برای تربیت جنسی کودک در این مرحله نیز، قواعد و هنجارهایی وضع کرده است. دستورهای شرع در این مرحله به دلایل زیر است:

۱ دستورهای اسلام در این زمینه، برای موارد غیر طبیعی و استثنایی بلوغ، یعنی بلوغ زودرس است.
۲ این دستورها مسبوق به روحیه تقلید در کودک است، زیرا تقلید ممکن است کودک را به تجربه جنسی کودکانه گرفتار کند.

۳ دستورهای شرع در این باره، والدین را مکلف می‌کند، مراقب باشند که کودک به رفتار جنسی تقلیدی روی نیاورد؛ زیرا که این عمل، عفت و طهارت او را در بلوغ به خطر می‌افکند [۸].

۴ نظام تربیت جنسی در اسلام، وجود فعالیت و رفتار جنسی در کودکی دوم را امری احتمالی و از موارد استثنایی می‌داند؛ بنابراین بهترین روش را در اختیار مربی می‌نهد تا کودک را از زبان‌های انحراف در رفتار جنسی احتمالی باز دارد.

۵ تربیت جنسی در اسلام، بالغان را از رفتارهایی که موجب بلوغ زودرس و انحراف در کودکان می‌شود، باز می‌دارد.
۶ گفتگو درباره مسایل جنسی، برخی از روانشناسان معتقدند، باید با کودک درباره مسایل جنسی، بی‌پرده سخن گفت و واقعیات را بیان کرد. حتی بعضی پیشنهاد می‌کنند پدر و مادر گاه در برابر کودک، برهنه شوند تا کودک واقعیت پیکر آدمی را شناسا شود، گر چه برخی دیگر با آن مخالفند (هولمز، رابرت ال، ترجمه علیا، ۱۳۸۵). اسلام می‌خواهد کودک ممیز با حقایق وجودی پیکر خویش آشنا شود؛ اما این کار آداب و اخلاقی دارد که باید پاس داشته شود. در نظام تربیت جنسی در اسلام، باید پرسش‌های جنسی کودک را پاسخ درست و منطقی داد و از کنایه و مجاز هم در پاسخ کمک گرفت. چنان که در قرآن و احادیث، با واژگان بسیاری که مفهوم جنسی دارند، روبه‌رو می‌شویم که کودکان آنها منع نشده‌اند [۹].

احساس شرم و برهنگی

برخی از دانشمندان، بر پرورش حیا و عفت در کودکان تأکید می‌کنند، در حالی که برخی دیگر مثل «راسل» می‌گویند: لازم است کودک، پدر و مادر و خواهر و برادر خویش را برهنه ببیند. این موضع تند و افراطی با دیدگاه کسانی که حیا و عفت را نشانه رشد یافتگی می‌دانند، سازگار نیست. بر اساس این دیدگاه، پدر و مادر حق ندارند در برابر کودک خود برهنه شوند. نظام تربیتی اسلام، تأکید دارد که کودک از آغاز بر اساس حیا و عفت پرورش یابد و حتی نسبت به نگاه به کودک ممیز و نگاه کودک ممیز به دیگران، محدودیت‌هایی در نظر گرفته است [۱۰].

جدا کردن رختخواب فرزندان

دیدگاه شماری از روان‌شناسان مبنی بر جدا بودن اتاق خواب و بستر خواب فرزندان دختر از پسر و جدایی بستر خواب فرزندان همجنس از یکدیگر، با نگرش اسلام در این زمینه هماهنگی دارد [۱۱]. کودکانی که بستر خواب مشترک دارند، در معرض تماس‌های جسمی قرار دارند و این امر آنها را به شوخی‌های جنسی وا می‌دارد. بهتر است اتاق خواب دختران و پسران، بعد از پنج سالگی از هم جدا باشد. این اقدام، رفتاری پیشگیرانه از پیدایش انحراف جنسی در کودکان است و در نظام تربیتی اسلام دستورالعمل‌های فراوانی در این باره یافت می‌شود [۱۲].

اجازه گرفتن

اسلام قرن ها پیش تأکید کرده است که باید به کودک آموزش داد پیش از وارد شدن به استراحتگاه والدین اجازه بگیرد. هدف از این دستور، پیشگیری از رو به رو شدن کودک با صحنه های جنسی پدر و مادر و پیامدهای آن است. [۱۳]

آموزش و آماده کردن بهنگام

دیدگاه گروهی از پژوهشگران که می گویند چون کودک به پایان دوران کودکی نزدیک شود، باید او را برای رو به رو شدن با دگرگونی های مهمی که در دوران بلوغ در او رخ خواهد داد آماده کرد، با نگرش اسلام درباره لزوم عنایت به تربیت جنسی کودک و آماده کردن او برای رویارویی با تحولات روحی و جسمی دوران بلوغ مشابه است. اسلام به خطرهای کوتاهی در آگاه کردن کودک از تحولات دوران بلوغ هشدار می دهد و از والدین می خواهد پیش از بلوغ و در اواخر کودکی دوم، هنجارهای شرعی مانند: احتلام و نگاه به نامحرم و عادت ماهانه و طهارت و نماز و لمس قرآن کریم و... را به کودک ممیز آموزش دهند و پرسش های جنسی او را بی پاسخ نگذارند. در این کار، پدر باید به آموزش فرزند پسر و مادر به آموزش فرزند دختر بپردازد [۱۴]

تربیت جنسی کودک مسلمان

تربیت جنسی در اسلام، جزوی از تربیت عمومی کودک است. اسلام به همه زمینه های رشد شخصی و شخصیتی کودک عنایت دارد. اسلام به پرورش و رشد همه زمینه های عقلی، روحی، عاطفی، اجتماعی و جنسی کودک، و هر آنچه که به پرورش انسانی صالح می انجامد، توجه دارد [۱].

بحث و نتیجه گیری

از مباحث فوق نتیجه گرفته می شود که تربیت جنسی شیوه پیشگیرانه ای است که برای ایمن نگه داشتن کودک و اجتناب از مصائب و گرفتاری های بعدی مطرح می شود. برخی جوامع توانسته اند با مسئله تربیت جنسی کودکان به شکلی علمی و عملی برخورد کنند. مشاهدات کلینیکی روان شناسان حاکی از آن است که والدین در مواجهه با کودکانی که سوالاتی در زمینه جنسی مطرح می کنند معمولاً چند واکنش کلی را نشان می دهند. محتمل ترین پاسخ در مواجهه با کنجکاوی های کودکان سرزنش یا چه بسا تنبیه کودک است. همچنین گاهی اوقات والدین مایلند به سوالات پاسخ مناسب بدهند، اما روش ارائه متناسب با سن کودک را نمی دانند و پاسخ هایی می دهند که راهگشا نیست.

منابع و مأخذ

- [۱] راهبر، م (۱۳۸۰)، سوز سحرگاهی، مؤسسه انتشارات قیام
- [۲] رحمانی همدانی، احمد (۱۳۷۸)، فاطمه الزهرا شادمانی دل پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، چ ۳، نمیر للطباعه و النشر، افست شفق.
- [۳] رسولی محلاتی، سیدهاشم، (۱۳۷۹) ش (وصایا الرسول و الائمه (علیهم السلام با ترجمه فارسی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- [۴] رشیدپور، مجید، (۱۳۷۸) تربیت کودک از دیدگاه اسلام، تهران، سازمان انجمن اولیاء و مربیان
- [۵] رضوانطلب، م، ر، (۱۳۷۶)، پرستش آگاهانه، قم ستاد اقامه نماز
- [۶] رضوی، ح، (۱۳۷۹)، رهروان شب، بنیاد پژوهش های علمی فرهنگی نورالاصفیا
- [۷] رفیعی، بهروز (۱۳۹۱)، آراء دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبنای آن، تهران، سمت.
- [۸] زاهری، ا (۱۳۸۰)، نفس انسان حرم الهی، قم، الطیار
- [۹] زمانی، مصطفی (۱۳۷۷)، ترجمه نهج البلاغه، مؤسسه انتشارات نبوی، تهران چاپ دوازدهم
- [۱۰] زیباکلام، فاطمه (۱۳۷۹)، مبانی فلسفی آموزش و پرورش در ایران، تهران، نشر حفیظ
- [۱۱] ژاله فر، تقی (۱۳۸۴) ش) تربیت فرزند از دیدگاه مکتب اسلام، انتشارات نیکان کتاب، چاپ اول، زنجان

- [۱۲] سعید نیا، محمد رضا (۱۳۸۵) مجموعه قوانین اطفال و نوجوانان، تهران، حقوقی
- [۱۳] سید مرتضی (۱۳۶۵)، الشافی، مکتبه الیمن الكبرى، یمن.
- [۱۴] سید میرزائی و شاهرخی و قطبی، داوود و علی و هادی (۱۳۹۰ ش) آداب و آفات تربیت کودک و نوجوان، انتشارات احمدیه، چاپ پانزدهم، قم